



میراث پهلوانی

پژوهش و نگارش ابراهیم مختاری، هدی صابر

سازمان میراث فرهنگی کشور

پس فکر کردم چطور ممکن است سنتی تا این اندازه بی جان و خنک، در میان ملتی که هزار و یک درگیری تاریخی و گرفتاری اجتماعی داشت بیش از هفتصد سال دوام بیاورد و به روزگار ما برسد. اما به زودی معلوم شد ورزش به اصطلاح باستانی که امروزه رایج است پیش از این مقدمه‌ای بود برای ورزشکاران، تن خود را گرم کنند و کشتی بگیرند. در آن روزها مردم برای دیدن ورزشکاران که برای رسیدن به مقام پهلوانی با یکدیگر کشتی می‌گرفتند به زورخانه می‌آمدند، نه برای دیدن این ورزش به اصطلاح باستانی که فقط گوشت کوب هوا کردن است. (کنایه حاج عبدالحسین فیلی در مورد میل بازی در زورخانه) و چون در خود به نتیجه نمی‌رسد بی معنا و به تنهایی حتی خنده‌دار می‌نماید.

نویسنده با بیان مطلب بالا بر این باور است که از پرس‌وجوها و گفت‌وگو با این و آن و مطالعه کتاب‌هایی در این زمینه، برای اینکه بتوان سنت پهلوانی یکپارچه خود را داشت یا معنای گم شده آن را در شکل و نه فعلاً در محتوا پیدا کرد، ابتدا باید کشتی پهلوانی را همچون پنجاه سال قبل به زورخانه برگرداند تا در پیوندی زنده با مجموعه‌ی مراسم ورزش‌های زورخانه‌ای قرار گیرد. متن پژوهش حاضر در سه بخش تدوین شده است. بخش اول به تحلیل‌های نگارنده پرداخته است. یک بحث به محتوای پهلوانی از دوران حماسی (رستم) به دوران میانی (پوریای ولی) و سپس دوران جدید (تختی) پرداخته و سپس علل از هم گسیختگی شکل سنت پهلوانی در سده‌ی اخیر و تأثیر آن بر پهلوانی، مرشدی و نظام زورخانه دارای قسمت دیگر این تحلیل را شامل می‌شود. در واقع یک مبحث به شکل دیگری به محتوای سنت پرداخته است. بخش‌های دوم و سوم کتاب نیز شرح حال پهلوانان و مرشدان و زورخانه‌داران زنده یاد گذشته را مورد توجه قرار داده است.

به گفته نویسنده روش تحقیق در سه مرحله صورت گرفته است: ابتدا بر تماشای زورخانه‌ها و شناسایی پهلوانان و گفت و گو با افراد مطلع و مطالعه‌ی کتاب‌ها که منجر به طرح گمانه‌ای با سه بخش اصلی شد. ریشه‌یابی زوال سنت پهلوانی، سپس شرح سنت پهلوانی با استفاده از اطلاعات آفرین بازماندگان سنت پهلوانی و در نهایت توضیح مفهوم پهلوانی و تحول تاریخی آن از رستم تا تختی. در مرحله بعد اثبات و یا رد گمانه مرحله اول مورد نظر قرار گرفت. مرحله سوم نیز با فکر جداسازی گفته‌های پیشکسوتان از حرف‌های مؤلف بود.

نویسنده با ذکر این که اثر حاضر چون بر خاطره‌ی پیشکسوت‌ها و مشاهدات شاهدان استوار شده بود شعاع روشنایی‌اش چندان از سال ۱۳۰۰ دورتر نمی‌رفت و دوران و بیشتر در تاریکی باقی می‌ماند. در نتیجه با کنار قرار دادن گفته‌های مرتبط با هم، رویدادهایی از تاریکی خارج و چهره‌ی شخصیت‌هایی روشن شد و دنیای شکسته بسته‌ای پدیدار شد که شکل کامل نداشت. با این حال سعی شد ناگفته‌های دیگری را نیز در پی گفت‌وگوهای تازه بیان و تاریکی‌های دیگری را روشن کرد.

این کتاب به شیوه‌ای نو و شیرین خصلت‌های پهلوانی را که یکی از شاخص‌ترین جلوه‌های میراث معنوی فرهنگ ایرانی است و در وجود عیاران، فتیان، کلوها، شاطران و چون اینها متجلی شده مطرح کرده است. سنتی که در همه‌ی دوره‌ها ریشه در فرهنگ اهل حرفه و افزارمندان دارد و لاجرم برخاسته از جامعه‌های شهری است.

اثر حاضر در نه فصل به همراه مؤخره و پیوست‌ها ارائه شده است.

نگاهی به تحول تاریخی سنت پهلوانی، پهلوانان آرمانی و سنتی، چند تن از پهلوانان و پیشکسوتان، آداب زورخانه، مرشدی، چند تن از مرشدان، زورخانه‌داری، چند تن از زورخانه‌داران، چند تن از اسباب‌سازان فصول این کتاب را تشکیل داده‌اند.